

عنوان مقاله:

تجلیل شناختی استعاره مفهومی جمال در مثنوی و دیوان شمس

محل انتشار:

دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره 24، شماره 80 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

ذوالفقار علامی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء

طاهره کریمی - دانشجوی دکتری دانشگاه الزهراء

خلاصه مقاله:

در این مقاله با استفاده از نظریه شناختی استعاره معاصر، کارکردهای استعاره مفهومی جمال و خوشه های تصویری مرتبط با آن یعنی جهان، انسان، صورت (رخ)، آفتاب، آیین و جز آن در غزل های مولوی تحلیل و تبیین می شود. پژوهش حاضر به این می پردازد که پیوند میان استعاره و بنیان فکری شاعر به چه شکل است و مولوی چگونه توانسته است از طریق استعاره جمال، ایدیولوژی خود را مطرح کند. بن مایه استعاره مفهومی جمال در گفتمان کلامی، براساس نظریه رویت است. رویت با ورود به گفتمان عرفان در بافت استعاری جمال قرار می گیرد و انتقال از ایده به استعاره و زبان هنری صورت می گیرد. از رهگذر بررسی استعاره جمال و خوشه های تصویری آن در مثنوی و دیوان شمس در می یابیم که خداوند دیدنی است این انگاره استعاری در ژرف ساخت کل اثر نمایان است. مولوی با توجه به این انگاره، جمال حق را در خرده استعاره های حسن یوسف، جهان، انسان کامل، آفتاب و خوراک به تصویر می کشد و با کمک همین خرده استعاره ها دیدنی بودن خداوند را اثبات می کند. براساس مدل ارایه شده در این مقاله، می توان از رهگذر مطالعه روابط میان استعاره و ایدیولوژی، بازخوانی تازه ای از ادبیات فارسی به ویژه گفتمان های عرفانی به دست داد

کلمات کلیدی:

مولوی، مثنوی، دیوان شمس، استعاره مفهومی، جمال، رویت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/833510>

